

در باره آثار میرمن شکور

روز ۰۰۰۰ ماه جدی با موافقت ریاست یوهنتون و همکاری جلا لتمام
دا کتر یوپیل ، کفیل وزارت معارف مراسم افتتاح نمایش نقاشی های
میرمن شکور ولی با خطابه افتتاحیه بناغلی محمد اصغر رئیس یوهنتون
در حضور عده زیادی از ارباب ذوق داخلی و خارجی در تالار کتابخانه عامه
وزارت معارف برگزار شد . بناغلی رئیس یوهنتون کابل خطابه خود را
با ذکر تاریخچه مختصر آرت و هنر بصورت عمومی و سیر اجمالی آن در
افغانستان بصورت خصوصی و تقدیر و تمجید از زحمات میرمن شکور خاتمه
بخشیدند که این بیانیه نشان برای هنر دوستان دلچسپ بود .

پس از آن بناغلی برینجا نقاشی و هنرمند معروف وطن که هم اکنون
چشم هنر دوستان بجانج ایشان دوخته است ، خطابه دلنشینی درباره هنر
نقاشی و خواسته های هنرمند از هنرهای خود ، از لحاظ فن ایراد نمودند و
ضمناً نوید بخشیدند که زمینه تکثیر نمایشهای هنری هنرمندان کشور را
آماده و تسهیلاتی را درین مورد فراهم خواهند کرد .

سپس میرمن شکور از همکاریهای بناغلو یوپیل کفیل وزارت معارف
و محمد اصغر رئیس یوهنتون اظهار امتنان نموده حاضرین را دعوت
بمشای آثار شان نمودند .

پیشانی جامع علوم انسانی

قبل از شروع با صل موضوع لازم میداند چند نکته مختصر راجع باین که
هنر نقاشی همواره بصورت ممتاز و جهان پسندی در کشور ما وجود داشته است ، ذکر کنم .

انسانها عموماً احساسات خود را بچند طریق اظهار مینمایند :
اگر این کار را بکمال کلمات انجام دهند گویا از شعر کار میگیرند .

اگر در اظهار مکنونات قلب خود از افشاندن دست و کوییدن پای استمداد
کنند رویش نام رقص را میگذارند ، و اگر خواسته های معنوی و عواطف خود
را روی چیزی رسم کردند ، آنرا نقاشی مینامند .

منظور ما درین مقاله طریقه اخیر از اظهار احساسات است .

در کشور ما این هنر نه فقط امروز و جود دارد بلکه در روزگارانی که با اسم آریانا خوانده میشد هم رواج داشته و از کجا که به مراتب رساترو پر معنی تر از امروز نبوده باشد . آثاری که از آن زمانها ، در افغانستان و خارج و آنچه که هنوز در معابد و بقایای آبدات و آثار باستانی قبل از اسلام کشور دیده می شود ، شاهد این ادعا است . از تصاویر قشنگ و رنگه تاقها و رواقهای با میان ، که نزد دانشمندان به اجنتای افغانستان معروف است ، شاید کم کسی است که بی اطلاع باشد . در دوره اسلامی هم با اینکه دین اسلام ازین کار ممانعت نموده ، همینکه زمام امور در کف اولاد کشور افتاد باز در رشته نقاشی توجهی بعمل آمد . اگرچه از چگونگی نقاشی در دوره طاهریان ، صفاریان و سامانیان اطلاع کافی نداریم ، آثار ذقیمتی که از دوره غزنویان ، در دست است مؤید این گفته است . بیهقی از کوشک بر نقش و نگار عدنانی در هرات حکایت می کند . عنصری و فرخی هم هر یک اشاره به نقاشی های رنگه دیوار ری و گچ بریهای (فرسکو) قصر های سلطان میکنند که تازه در لشکر گاه کشف شده و هر یک نمونه و مثالی از زیبایی و رواج نقاشی در آن دوره میباشد .

اگرچه سیل مغول ضربت محکمی بر بیکر مادی و معنوی کشور ما وارد کرد و تیمور هم آنچه را که باقیماند با خاک یکسان نمود ولی باز ماندگان او باعث ظهور مرحله نوینی از هنر های زیبا گردیدند ، چنانکه هنر نقاشی ، پس از مرگ تیمور بکمال نضج و قوام رسید . هنرمیناتور درین دوره بعدی رواج داشته و استادان معروف را بخود مشغول کرده بود که نمونه های آن هم اکنون در کتابخانها و موزیم های بزرگ دنیا دیده می شود . بهزادو عدو زبیدی از شاگردان و پیروان مکتب او را درین فصل پراز افتخار تاریخ کشور خود میشناسیم که تراوشات کلبک بدیع آفرین آنان را با آثار هنر مندان در بارهای شهزادگان مدیچی در دوره رنسانس اروپا مقایسه میکنند .

آنچه نگاشته آمد صرف بعنوان تذکر است . منظور اینست که هنر نقاشی ، بمعنی تام و تمام کلمه ، همواره در افغانستان وجود داشته و این میراث شریف بفرزندان این آب و خاک انتقال یافته ، منتهی غبار مرور ایام را از چهره آینه صافی پاک باید کرد .

قرن هژده باب تازه بی از تاریخ سیاسی کشور ماست. با اینکه درین دوره و همچنین در قرن نژده، افغانستان در راه تشکیل یک وحدت سیاسی روان شد ولی ظلم ظلمت فرنگ مجال ندارد که ستارگان درخشان وطن ما قریحه ذاتی خود را مثل اسلافشان، ابراز کنند. در اوایل قرن بیستم نقاشی باز تا اندازه بی مورد توجه واقع شد. در اینجا از استاد معروف و عالی مقام مرحوم پروفیسر غلام محمد ذکریا باید کرد. این مرد بزرگوار نقاشی را به مفهوم اروپایی آن در افغانستان آورد، چنانکه عده زیادی از تابلوها و مناظر زیبا و نفیس او نزد صاحبان ذوق و سلیقه هنوز موجود است.

اینک معلوماتی را که نگارنده در مورد میرمن شکور و آثار او فراهم کرده تقدیم میکند:

میرمن، سیمون شکور ولی در پاریس متولد شده. پدرش موسوم به کا به که در یکی از بانکها مدیر بوده ضمناً در فن موسیقی دست درازی داشته است. بدین ترتیب دختر او زیر نظر پدر هنرمند خود مراتب طفلی را گذراند. تحصیلات ابتدایی را در پاریس، ثانوی و عالی را در رمون پیللی در رشته تعلیم و تربیت تکمیل کرد. شهادتنامه تدریس زبان فرانسه را که رشته تخصصی و حقیقی اوست، و در عین زمان شهادتنامه هنرهای زیبا را هم در همان شهر بدست آورد.

پس از آن بر اثر شوق زیادی که به هنرهای زیبا داشته با حفظ کرسی معلمی در کانکور مکتب عالی هنرهای زیبای پاریس شامل گردید که در نتیجه بدرجه دوم کامیاب شد. در خلال همین اوقات در مکتب اتالیبی (۱) گرانند شو میر نیز شامل و بالاخره فارغ شد که پس از فراغت به رمون پیللی مراجعت کرد و بشغل معلمی خود پرداخت. در خلال همین مدت شوق تعلیم و تربیت اطفال عقب مانده را نیز تحصیل نمود.

نمایشهایی که میرمن شکور در آنها اشتراک کرده است:

نمایش اول در سال ۱۹۴۲ در رمون پیللی (فرانسه).

در ۱۹۴۳ با افغانستان آمد. در همین سال نمایشی از آثارش در انقره داده شد.

از ۱۹۴۳ تا ۱۹۵۲ دوازده بار آثار میرمن در معرض نمایش قرار گرفته و این

غیر از اشتراکشان در نمایشهای نقاشی تکتهای بست میباشد.

(۱) مکتب خصوصی ایست که شاگردان در خارج وقت رسمی در آنجا بفرار گرفتن نقاشی میپردازند.



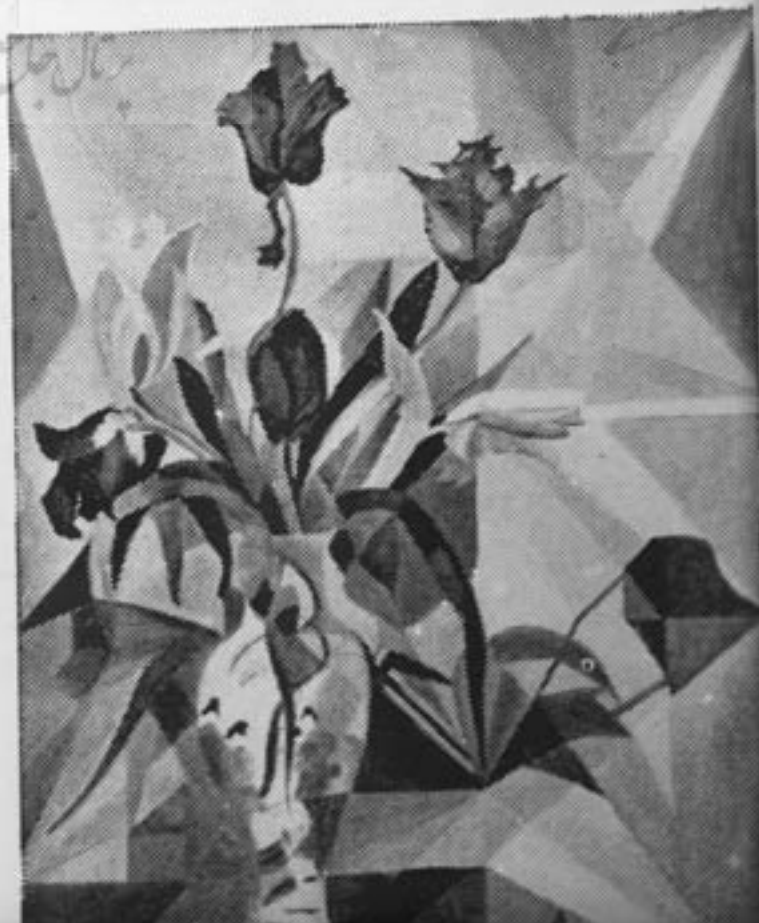
یسکی از مناظر اسپانیه



کشت و مکت

شهرستان گاه علوم انسانی و مطالعات
 سال چهارم علوم انسانی

۷۷





پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در سال ۱۹۵۱ بار اول در نمایش هنرهای زیبا درد هلی جدید اشتراك كرد كه تابلوی قمار باز ، كشت و مات و طرح پیر مرد از جمله تمام آثارش مورد پسند واقع گردید . تا بلوی اخیر حالادر تصرف وزارت معارف هند وستان میباشد . بار دوم در نمایش تالار جیم خانه اشتراك كرد در زید كه هنرمندان بعضی از كشور های آسیایی هم شامل بودند .

در سال ۱۹۵۱ بانر دعوت یکی از مؤسسات تربیتی پاریس در حدود چهل تابلوی میرمن شكور در موزه تربیتی آن شهر بنمایش گذاشته شد كه مورد دلچسپی بزرگترین منقدان فرانسه واقع گردید . در همین سال هیأت هنری یونسكو نمایش آثار هنری غالب ممالك آسیایی را در تالار ارسنیه دایر كرد كه هشت تابلوی میرمن شكور بنمایش گذاشته شده بود و از جمله تابلوهای كشت و مات و ما در - كلان مورد نقد و تبه رة نقادان معروف پاریس واقع شد . (۱)

سپس بر اثر استقبال زیاد ، در تالار هنری شانزه لیزه پاریس كه سال یکمرتبه افتتاح می شود اشتراك ورزید . بيمورد نیست متذكر شویم كه در بین تالار سه تابلوی هر نقاش بنمایش گذاشته می شود . اگر در ختم نمایش هر سه اثر نقاش مورد پسند واقع شد او بهیئت عضو انجمن هنری تالار مذکور قبول میگردد ، باقیداین شرط كه این امتیاز را برای سه سال متوالی حاصل كند .

درین تالار در (۱۹۵۴) تابلوهای قمار باز ، بامهایی كابل و دیوار بالا حصار كابل كه هر سه از محیط افغانی الهام گرفته شده مورد پسند واقع شد (۲) .

در سال ۱۹۵۵ تابلوهای گلپای دولت ، دالیا و طبیعت خموش قبول گردید . در سال ۱۹۵۶ تابلوهای سه خواهر ، طبیعت خموش و نارنج انتخاب شد و بدین ترتیب میرمن شكور حیثیت عضو تالار هنری شانزه لیزه را حاصل كرد . تابلوی قلعه بلند در سال ۱۹۵۷ جایزه اول انستیتیوی فرانسه را كه از آكادمی های خیلی قدیمی و معروف اروپا است ، كمیسی كرد .

همچنان در سالهای ۱۹۵۵ ، ۱۹۵۶ ، ۱۹۵۷ در نمایش تالار اند بیانده انت كه سه سال یکبار در پاریس دایر می شود حصه گرفت . تابلوهای لاله ، یاسمن ، گلاب

(۱) نقل تابلوی اول در كتاب عجائب هنری مشرق زمین چاپ پاریس شامل است .

(۲) تابلوی سوم را حكومت فرانسه در سال ۱۹۵۶ به قیمت سی هزار فرانك خریداری كرد .

شب غصه ، کشت و مات ، پرنده آتشین (موسیقار) و میز چای درین نمایش شامل بود. از جمله لاله، یاسمن و پرنده آتشین مستحق جایزه دوویل شد و همین ها برای نمایشی که در لندن دایر میشد انتخاب گردید .

میرمن شکور ، گذشته از آنچه ذکر شد ، در یک عده نمایشهای دیگر هم شامل بوده اند که مهمتر از همه نمایش تالار ارسل (سال ۱۹۵۵) و تالار باستل در شهر مون پلیی را ذکر باید کرد .

* * *

در نمایش اخیر میرمن شکور ، در تالار کتابخانه عامه وزارت معارف، بیشتر از چهل تابلو بنظر میخورد که عبارت از (طرح) و (رنگ و روغن) میباشد .

میرمن شکور در ابتدا، پیر و سبک کلاسیک بوده است . پس از آن يك عده تابلو های خود را به شیوه اکسپرسیون نیست ها ، امپرسیونیست ها ، کیویست ها و نیو کلاسیک ها بوجود آوردند .

یکی از منقدين معروف فرانسوی می نویسد که :

این هنرمند در برداختن تابلوهای خود رنگ و روشنی خاصی را بکار برده و نمیتوان خصوصیات آنرا در آثار دیگران مشاهده کرد . ما این موفقیت را برایش تبریک میگوییم .

نمونه اعلی کار ایشان در سبک کیویست محض تابلوی کشت و مات میباشد . نارنج و گل لاله از کیویست به اکسپرسیون نیست متمایل شده . قمار باز و منظره های کابل بشیوه نیو کلاسیک است .

تابلوی قمار باز که قطعاً ملهم از محیط کابل میباشد استادی و مهارت او را در هنر خود نشان میدهد . نقاشی خواسته است انقلابات درونی و هیجانات و نارامی های فکری قمار باز را رسم کند و با کمال موفقیت از عهده آن برآمده است . رونی کولو منقد دیگری در نامه فیگارو مینویسد (۱) :

به سلسله کشف های هنری امسال خاصه، میرمن شکور را معرفی باید کرد . مناظر کابل جذبات و عواطف نقاش را نسبت به آن شهر بیان میکنند . این هنرمند در پرداختن آنها از سبک امپرسیونیست عدول کرده و سبک کاملاً تازه یی را اختیار نموده است . این سبک تازه خاصه در تابلوی قمار باز بخوبی دیده می شود

(۱) شماره (۹) جون ۱۹۵۴

(۶)



قمار باز

پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع

برنده آتسین





ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

درین تابلو اخلاق، اعمال و کردار موضوع طوری رسم شده که گویی يك پارچه شعر اخلاقی و اجتماعی میباشد.

غوژی بشی یکی دیگر از مورخان و منقدان آرت معاصر اروپا گوید: نقاشی که از يك طرف تابلوی کشت و مات و از طرف دیگر مادر کلان غمگین را رسم میکنند باید آثار او سرمشق قرار گیرد.

روز نامه فیگارو در یکی از شماره های دیگر خود مینویسد (۱): «میرمن شکور یکعده از آثار خود را که محصول دوره های مختلف حیات او است، به نمایش گذاشته است. تابلوهای پاستلی تراوش قریحه شخصی او است. در تابلوهای مادر-کلان کوشش شده بجای اینکه قشنگ و مصنوع بعمل آید، خصوصیات و اوصاف (کرکتر) موضوع، با هنر مندی خاصی ظاهر شود. از زمانی که این خانم هنرمند بجامعه افغان نسبت یافته تابلوهای رسم نموده که ملهم از همان محیط است. فی المثل در مردقمار باز بدون اینکه از حقیقت عدول کند تصورات و تفکرات درونی او را توسط سمبول ها نشان میدهد. همچنین از گراورهاهاش ذکر باید کرد. زن کوچی، حافظ، گدا، مرد کوهی و پرنده آتشین که اخیر از همه مهمتر است و نقاش با مهارت خاصی آنرا رسم کرده.

بدین طریق میرمن شکور در هنر نقاشی براهی روان است که میتواند گفت خودش آنرا هموار کرده است.

روز نامه بی بی پریزین نوشته است که کم نشانی و مطالعات فرهنگی میرمن شکور موضوع را با تسلط فوق العاده بی رسم میکنند. کارهای او همه پر معنی است. روشنی و رنگها جذاب و دلکش است، مثل اینکه هر يك تابلو جان دار و با بیننده حرف میزنند. پیور تریت های افغانی آینه تمام نمای حیات درونی و هیجانات و احساسات مسمی های خود است. مناظر او فضای روشن، شاعرانه و قشنگ افغانستان را تمثیل میکنند. هنرمند در کنه اجسام داخل شده، طبیعت آنها را عمیقانه مطالعه کرده، سپس رسمشان نموده. در حقیقت غنای معنوی نقاشی است که در تابلوها متجلی گردیده است. موضوع های کلفت و خشن را طوری مجسم ساخته که از آنها يك جهان روح و عاطفه خوانند.

می شود. خلاصه کارهای او بمنزله اشعاری است که نقاشی شده است و بسیه کارم اند
اشخاصی، مانند میرمن شکور که بکار خود وارد باشند.

آنچه نوشتیم نشانه کمترین احترامی است که با ایشان تقدیم میکنیم.

رو به مرفته باید گفت که هنر نقاشی جزین نیست که هنرمند در هنر خود، هر هنری
که باشد، مواد مورد ضرورت را درست سرچایش بکار برد. چنانکه تفاوت يك
نوشته عالی از نوشته مهمل جزین نیست که در اولی ترتیب فکر، کلمات و بالاخره
حروف، معقول و در دو می نامر بوطون نامنجم میباشد. نقاش هنرمند هم کسی است
که خطوط و رنگها را استادانه و نظریه طبیعت و خاصیت آنها انتخاب کند و بکار
برد. هنر میرمن شکور هم در همین نکته نهفته است. آن آثارش که از مناظر
و موضوعهای افغانستان الهام گرفته شده برای افغان باذوق بیگانه نیست. منظره
خزان اوبك خزان ایده آلی و مناظر کوهها و جویبارانش کوهها و جویباران
ایده آلی این کشور است. مگر نه این است که تابلوی قلعه بلند یادی از تپه های
خشک و زرد رنگ و وطن خود مان میدهد؟

يك خصوصیت دیگر غالب تابلوی های میرمن شکور اینست که بیشتر دارای
فضای وسیع و خیلی روشن میباشد. درین نمایش چند منظره جلب توجه میکند که
گویا از فراز با ما و جا های بلند نقاشی شده است عامل آن هم غیر از یمن
نیتواند باشد که میبخواد در روی کار گاه خود دقیق فرار کننده و
روشنی های را که ممکن است در يك لمحہ متبدل شود، قید و ثبت کند.
تا بلوی کشت و مات که چندان بذوق بعضیها نمی چسپد بسبک کیوییزم
نقاشی شده (۱)

چنانکه قبلا اشاره کردیم میرمن شکور در سبکهای کلاسیک، نیو کلاسیک،
اکسپرسیو، سیمو، نیزم و امپرسیو نیزم هم آثاری دارند. اهتمام و توجه باین همه
سبکها و مطالعه و دقت در روشهای گوناگون او را دارای ملکه و تسلط مخصوصی
در هنر نقاشی ساخته که بتصدیق نقادان اروپایی موجد سبک جدیدی بشمار میروند.

س. ه.

(۱) این سبک بر حسب تصادف از طرف ما تیس، نقاش فرانسوی (وفات نیمه اول قرن
۱۹) بنام کیوییزم نامیده شده و امروز طرفداران زیادی دارد.